

« به نام او ، به یاد او، برای او »
« دبیرستان دخترانه : مهر نامی »

*** « قواعد درس هشتم (جَر و مجرور) ***
* « تهیه و تنظیم : فدایی / دبیر دبیرستان های تیزهوشان » *

« جزوه درسی : پایه دهم »
« سال تحصیلی : ۹۶ - ۹۷ »

📖 « قواعد درس هشتم » : « يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُ » :

♦ در زبان فارسی به حروفی از قبیل: « از - به - با - برای - بر - در ... » « حروف اضافه » گفته می شود و به اسمی که بعد از آن می آید، « متمم » می گویند.

- به سوی مدرسه (به سوی) - در کلاس درس (در) - از معلم ها (از) - رؤی میز (رؤی)

* در زبان عربی این حروف ، « حروف جر » نامیده می شوند. که عبارتند از : « **فِي - بِ - إِلَى - مِنْ - لِ - عَلَى - عَنْ - كَ** ... » .

☑ سوال اینکه چرا به این حروف ، « حروف جر » گفته می شود ؟؟؟؟؟

👉 در پاسخ باید گفت : زیرا این حروف علامت انتهای اسم بعد از خود را « مجرور » می کنند.

(علامات جر در اسم ها : **با دال ، بدون دال**) (در اسم های مفرد مذکر و مفرد مؤنث) / « **يْنِ** » در اسم های مثنی / « **يْنَ** » در اسم های جمع مذکر سالم)

مثال : - فِي + الْمَدْرَسَةِ = فِي الْمَدْرَسَةِ - مِنْ + الْمُعَلِّمَانِ / الْمُعَلِّمِينَ = مِنَ الْمُعَلِّمِينَ - بِ + الْمُؤْمِنُونَ / الْمُؤْمِنِينَ = بِالْمُؤْمِنِينَ

@Arabicfadaei / تلگرام

- يُبَشِّرُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِرَحْمَتِهِ : (بِرَحْمَةٍ : ترکیب جار و مجرور / رَحْمَةً : مجرور به حرف جرّ)

- أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنْ عَمَلِكَ : (عَنْ عَمَلٍ : ترکیب جار و مجرور / عَمَلٍ : مجرور به حرف جرّ)

- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ : ضمیر « كُمْ » مجرور بحرف جرّ - إِلَى النَّاسِ : « النَّاسِ » : مجرور بحرف جرّ - فِي هَذَا : « هَذَا » مجرور بحرف جرّ

👉 لازم به ذکر است که بعد از حروف جر فقط « اسم یا ضمیر » می آید که به اسم و یا ضمیر بعد از این حروف « مجرور به حرف جر » گفته می شود.

👉 به ترکیب حروف جر با اسم بعد از خود « جار و مجرور » گفته می شود. (حروف جرّ + اسم (یا ضمیر) ← ترکیب جار و مجرور)

*** معانی حروف جر :

هر یک از حروف جر معانی خاصی دارند و برخی از آنها در جملات مختلف با معانی مختلف به کار می روند :

1 حرف جرّ « **مِنْ** » به معنای : از / از جنس / *** مثال :

- رَجَعْتُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ مَسَاءً : عصر از مدرسه بازگشتم.

2 حرف جرّ « **فِي** » به معنای : در / *** مثال :

- النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ : رهایی در راستگویی است.

3 حرف جرّ « **إِلَى** » به معنای : به / به سوی / تا / *** مثال :

- وَصَلْتُ إِلَى الْبَيْتِ : به مدرسه رسیدم.

- مَشَيْتُ مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ : از اینجا تا آنجا پیاده رفتم.

4 حرف جرّ « **عَلَى** » به معنای : بر / روی / به / بر ضدّ / باید - واجب است / (---) [بدون ترجمه] / *** مثال :

- النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ : مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ عَج : سلام بر تو ای صاحب زمان عج.

- وَقَعَ نَظْرُ الْمُعَلِّمِ عَلَى التَّلْمِيزِ النَّاجِحِ : نگاه معلم به دانش آموز موفق افتاد.

- الذَّهْرُ يَوْمَانِ ، يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ : روزگار دو روز است، روزی به سود تو و روزی به ضرر تو.

- عَلَيْنَا بِالسَّعْيِ فِي حَيَاتِنَا : بر ما واجب است (باید) که در زندگیمان تلاش کنیم.

- كَيْفَ تَحْصُلُ عَلَى نَتِيجَةِ الْمَطْلُوبِ فِي إِمْتِحَانَاتِكَ ؟ : چگونه نتیجهی مطلوب رو در امتحانات خود به دست می آوری ؟ (عَلَى : ترجمه نشده است)

5 حرف جرّ « بِ » به معنای : به وسیله (با) / در / *** مثال :

- نحنُ نُسَافِرُ إِلَى الْمَشْهَدِ الْمُقَدَّسِ بِالسَّيَّارَةِ : ما با (به وسیله) ماشین به مشهد مقدّس مسافرت می کنیم.
- وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ : و خداوند شما را در جنگ بدر یاری کرد.

6 حرف جرّ « لِ » به معنای : برای / از آن (مال) / داشتن / *** مثال :

- أَخَذْتُ الْكِتَابَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ لِصَدِيقِي : از کتابخانه کتاب را برای دوستم گرفتم.
- * (لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ) * : آنچه در آسمان ها و زمین است، از آن اوست.
- لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ : هر گناهی جز بد اخلاقی توبه ای دارد.

7 حرف جرّ « عَنِ » به معنای : از / درباره ی / *** مثال :

- الْجُنُودُ يُدَافِعُونَ عَنِ وَطَنِهِمُ الْإِسْلَامِيَّ : سربازان از وطن اسلامی خود دفاع می کنند.
- وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ : و اگر از تو درباره ی من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.
✗ حرف جرّ « عَنِ » بعد از فعل « سَأَلَ - يَسْأَلُ » به معنای « درباره ی » ترجمه می شود.

8 حرف جرّ « كَ » به معنای : مانند - همچون / *** مثال :

- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ : دانشمند بدون علم مانند (حرف جرّ « لِ » به معنای) درخت بدون میوه است.
- الْقُرْآنُ كَالنُّورِ فِي الْهُدَايَةِ : قرآن در هدایت کردن مانند (همچون) نور است.

چند نکته پیرامون حروف جرّ :

1) دو عبارت « مِمَّنْ - مِمَّا » مخفّف « مِّنْ مَنْ ؛ از چه کسی ؟ - مِّنْ مَا ؛ از چه چیزی ؟ » می باشند که به این صورت هم دیده می شوند. مثال :
* (... حَتَّى تَسْتَفِيقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) * : ... تا از آنچه که دوست دارید انفاق کنید.

2) هرگاه حرف جرّ « لِ » در ابتدای جمله به همراه اسم یا ضمیری بیاید، به معنای « داشتن » به کار می رود. مثال :
- لِلطَّلَابِ مَعْلَمٌ مُّجْتَهِدٌ : دانش آموزان معلّم کوشایی دارند.
- لِفَاطِمَةَ (س) فَضَائِلٌ كَثِيرَةٌ : [حضرت] فاطمه (س) فضایل زیادی دارد.

✓ هرگاه حرف جرّ « لِ » به ضمائر متصل شود، به صورت « لَ » به کار می رود. (به غیر از ضمیر « ی »). مثال :
لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ : اعمال ما برای خودمان و اعمال شما هم برای خودتان.

3) حرف جرّ « عَلَيَّ » هر زمان به همراه ضمیر یا یک اسم در ابتدای جمله آمده باشد، معمولاً بیانگر اجبار بوده و به صورت « باید - لازم است - واجب است » ترجمه می شود. مثال :

- عَلَيَّ الطَّالِبُ أَنْ يَجْتَهِدَ فِي دُرُوسِهِ : دانش آموز باید در درسهایش تلاش کند. (بر دانش آموز واجب است که ...)
- عَلَيْنَا السُّعْيُ فِي حَيَاتِنَا : ما باید در زندگی مان سعی کنیم. (تلاش در زندگی مان بر ما واجب است)

هر فعل متعدّی (ماضی - مضارع - امر و ...) در هر صیغه ای اگر به ضمیر متکلم وحده « ی » متصل شود باید بینشان (بین فعل و ضمیر) نون الوقایه « نون وقایه » بیاید. مثال :

- يَعْرِفُ + ی ← يَعْرِفُ + ن + ی = يَعْرِفُنِي (مرا می شناسد)
- اجْعَلْ + ی ← اجْعَلْنِي (قرار بده مرا)
- بَعَثْ + ی ← بَعَثْنِي (مرا مبعوث کرد)
- عَلَّمُوا + ی ← عَلَّمُونِي (به من تعلیم دادند)
- لا تَعْبُدُوا + ی ← لا تَعْبُدُونِي (عبادت نکنید مرا)
- اِضْرَبِي + ی ← اِضْرَبِينِي (مرا بزن)

📖 نگاهی گذرا به قواعد جمله‌ی فعلیه و اسمیه :

❏ جمله‌ی فعلیه : به جمله‌ای که با هر نوع فعل شروع شود. و ارکان آن فعل و فاعل و در صورت نیاز (متعدی بودن فعل) مفعول.

مثال : بَشَرَ اللهُ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَحْمَتِهِ : بَشَرَ: (فعل) - اللهُ: (فاعل) - جَمِيعَ (مفعول) - الْمُؤْمِنِينَ : (مضافُ الیه) - رَحْمَةً (مجرور بحرف جرّ) - هِ (مضافُ الیه)

❏ جمله‌ی اسمیه : به جمله‌ای که دارای « مبتدا و خبر » باشد، جمله‌ی « اسمیه » گفته می‌شود. مبتدا می‌تواند یک « اسم - ضمیر - اسم اشاره » باشد.

خبر ؛ همانطور که در درس پنجم توضیح داده شد ؛ کلمه یا عبارتی است که غالباً بعد از مبتدا می‌آید و معنای مبتدا و جمله را کامل می‌کند.

که دارای انواعی است :

(۱) خبر مفرد (تک اسمی) : المؤمنُ صادقٌ : (صادقٌ : خبر مفرد)

(۲) خبر از نوع جمله فعلیه : الطالبُ ينجحُ . (ينجحُ : خبر فعلیه)

(۳) خبر از نوع جمله اسمیه : المؤمنةُ قلبها طاهرٌ : (قلبها طاهرٌ : خبر اسمیه)

(۴) خبر از نوع شبه جمله : العجلةُ من الشيطانِ : (من الشيطانِ : خبر شبه جمله)

📌 توضیح مورد 4 :

همانطور که گفته شد ؛ گاهی اوقات یک ترکیب « جار و مجرور » معنای یک مبتدا را کامل می‌کنند. که به مجموع « حرف جرّ و مجرور بحرف جرّ »

خبر از نوع « شبه جمله » گفته می‌شود. مثال :

- شَرَفَ الْمَرْءَ بِالْعِلْمِ : (بِالْعِلْمِ : خبر از نوع شبه جمله)

- النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ : (عَلَى دِينِ : خبر از نوع شبه جمله)

- الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ : (مِنَ الشَّيْطَانِ : خبر از نوع شبه جمله)

- سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ : (فِي الْمُدَارَاةِ : خبر از نوع شبه جمله)

❏ نکته‌ی طلایی : اگر مبتدا اسمی « بدون ال و بدون مضاف الیه » باشد و خبر از نوع « شبه جمله » باشد باید خبر بر مبتدای خود مقدم بیاید.

یعنی خبر قبل از مبتدا دیده می‌شود. که در اینصورت به خبر « خبر مقدم » و به مبتدا « مبتدای مؤخر » می‌گویند. مثال :

- فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبَةٌ : (فِي الْمَدْرَسَةِ : خبر مقدم - طَالِبَةٌ : مبتدای مؤخر) ***** طَالِبَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ : (غلط است)

- لِلدَّلَافِينِ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ : (لِلدَّلَافِينِ : خبر مقدم - أَنْوْفٌ : مبتدای مؤخر) ***** أَنْوْفٌ حَادَّةٌ لِلدَّلَافِينِ : (غلط است)

- فِي التَّأخِيرِ آفَاتٌ : (فِي التَّأخِيرِ : خبر مقدم - آفَاتٌ : مبتدای مؤخر) ***** آفَاتٌ فِي التَّأخِيرِ : (غلط است)

- عَلَى الْمِنْضَدَةِ مَجَلَّاتٌ : (عَلَى الْمِنْضَدَةِ : خبر مقدم - مَجَلَّاتٌ : مبتدای مؤخر) ***** مَجَلَّاتٌ عَلَى الْمِنْضَدَةِ : (غلط است)

☺ لازم به ذکر است که اگر ؛ مبتدا « اسمی ال دار » باشد و خبر جمله همچنان از نوع « شبه جمله » باشد، در جابه جا کردن مبتدا و خبر اختیار داریم.

(یعنی هم می‌توانیم خبر و مبتدا را جا به جا کنیم و هم اینکه جا به جا نکنیم). مثال :

- النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ . (✓) - فِي الصَّدَقِ النَّجَاةُ . (✓) [هر دو صحیح است]

- الدَّفِينُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ . (✓) - مِنَ الْحَيَوَانَاتِ الدَّفِينُ . (✓) [هر دو صحیح است]

- النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ . (✓) - مِنَ الْإِيمَانِ النَّظَافَةُ . (✓) [هر دو صحیح است]

محل یادداشت نکات



◆ **تمرین ۱:** « محلّ اعرابی کلمات مشخص شده را بیان کنید » : ↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓↓

- (۱) كُنْتُ أَفْتَشُ فِي الْمَوْضُوعَاتِ الْعِلْمِيَّةِ عَنْ مَقَالَاتٍ حَوْلَ حَيَاةِ الدَّلْفِينِ الْعَجِيبَةِ ! :
 (۲) الدَّلْفِينُ أَتَقَدَّتْ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ وَأَوْصَلَتْهُ إِلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ ! :
 (۳) بَقِينَا أَسْبُوعِينَ كَامِلِينَ فِي الْغَابَةِ لِنُفْتَشَ عَنْ آثَارِ الْحَيَوَانَاتِ النَّادِرَةِ ! :
 (۴) مِنْ أَهْدَافِنَا الْمُهْمَّةِ تَشْجِيعُ الطُّلَابِ إِلَى الْإِسْتِفَادَةِ مِنْ فُرْصِ الْخَيْرِ ! :
 (۵) يُرِيدُ اللَّهُ مِنْ عِبْدِهِ أَنْ لَا يُحْرَمَ النِّعَمَ الْإِلَهِيَّةَ عَلَى نَفْسِهِ ! :
 (۶) أَنْوَفُ هَذِهِ الدَّلْفِينِ حَادَّةٌ وَتَقْتُلُ بِهَا سَمَكَ الْقَرِشِ ! :
 (۷) لِأَعْظَمِ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٌ كَثِيرَةٌ ! :
 (۸) شَمْسُ الصَّحْرَاءِ مُحْرِقَةٌ جَدًّا وَالنَّاسُ يُوَاصِلُونَ طَرِيقَهُمْ فِيهَا بِصُعُوبَةٍ ! :
 (۹) لَنَا دَوَاءٌ مُفِيدٌ لِشِفَاءِ أَحْطَرِ الْأَمْرَاضِ وَهُوَ الْحَبِيرُ وَ الْقَلَمُ ! :
 (۱۰) الْبَشَرُ يَسْتَنْفِئُ مِنَ الْمُعْجَزَاتِ الطَّبِيعِيَّةِ الَّتِي خَلَقَ اللَّهُ لَهُ ! :
 (۱۱) كُلُّ حَيَوَانٍ يَمْتَلِكُ لُغَةً خَاصَةً يَتَكَلَّمُ بِهَا مَعَ مِثْلِهِ ! :
 (۱۲) قَدْ دَلَّتْ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيعِيَّةِ لِبَعْضِ النَّبَاتَاتِ ! :
 (۱۳) أَحَبُّ الْتِقَاطِ صَوْرٍ مِنْ هَذِهِ الْأَسْمَاقِ الَّتِي تَعِيشُ فِي الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ ! :
 (۱۴) حَذَرُوا إِخْوَانَكُمْ أَنْ يَتَبَعِدُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ! :
 (۱۵) هَوْلَاءِ الزَّمَلَاءِ مَشْغُولُونَ بِمُطَالَعَةِ دُرُوسِهِمْ قَبْلَ الْإِمْتِحَانِ ! :
 (۱۶) النَّاسُ يُرْحَبُونَ بِالْمَلِكِ الَّذِي يَدْعُوهُمْ إِلَى مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ ! :
 (۱۷) هُوَ أَشْعَلُ النَّارِ حَتَّى ذَابَ النَّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ ! :
 (۱۸) الْبُلْدَانُ الْكَبِيرَةُ تُشْجَعُ الشُّعُوبَ الْمُسْلِمَةَ عَلَى اسْتِهْلَاكِ أَكْثَرِ ! :
 (۱۹) الْبَاحِثُونَ الْمُسْلِمُونَ يُهَاجِرُونَ إِلَى النِّقَاطِ الْبَعِيدَةِ لِاِكْتِشَافِ أَسْرَارِ الْعَالَمِ ! :
 (۲۰) أَعْرَفُ كَاتِبًا كَانَ يُكْتَبُ أَكْثَرُ مَقَالَاتِهِ فِي صَحِيفَةِ مَدِينَتِنَا ! :
 (۲۱) فِي تِلْكَ الْحَدِيقَةِ رَاحَةٌ الْأَزْهَارِ كَثِيرَةٌ ! :
 (۲۲) فِي نَهْرِ قُرْبِ بَيْتِ صَدِيقِي أَسْمَاقٌ جَمِيلَةٌ ! :
 (۲۳) هَوْلَاءِ الْأَطْبَاءِ مِنْ أَبْنَاءِ بِلَادِنَا، هُمْ يَشْفُونَ الْمَرْضَى ! :
 (۲۴) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ الْآخِرِينَ ! :
 (۲۵) الْإِسْلَامُ مِنْذُ ظُهُورِهِ شَجَّعَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى التَّفَكُّرِ وَ التَّعَلُّمِ ! :
 (۲۶) فِي الصَّيْفِ مَلَابِسُنَا تُجَفَّفُ بِسُرْعَةٍ بِسَبَبِ حَرَارَةِ الْجَوِّ ! :
 (۲۷) هَوْلَاءِ الْمُسْلِمُونَ يَذْهَبُونَ فِي شَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ إِلَى مَكَّةِ الْمُكْرَمَةِ ! :
 (۲۸) عَدَدُ اللَّاعِبِينَ فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ السَّلَّةِ أَكْثَرُ مِنَ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ ! :
 (۲۹) أَوْلَئِكَ الْأُمَهَاتُ لَا يَسْمَحْنَ لِأَوْلَادِهِنَّ أَنْ يَلْعَبُوا خَارِجَ الْبَيْتِ ! :
 (۳۰) لَنَا ضُيُوفٌ كَثِيرُونَ فِي بَيْتِنَا الْأَسْبُوعِ الْقَادِمِ ! :
 (۳۱) التَّلْمِيزُ الَّذِي يَتَغَلَّبُ عَلَى الْمَصَاعِبِ صَوْرٌ فِي كُلِّ الْأُمُورِ ! :
 (۳۲) الْحُكُومَاتُ الْمُتَقَدِّمَةُ تُشْجَعُ النَّاسَ لِمَعْرِفَةِ قِيَمَةِ الْحَيَاةِ ! :
 (۳۳) الْإِنْسَانُ الْمُتَقَدِّمُ قَادِرٌ عَلَى نَشْرِ الْخَيْرِ فِي الْمُجْتَمَعَاتِ ! :

محل یادداشت نکات



تلگرام ↩ /@Arabicfadaei

تلگرام ↩ /@Arabicfadaei